

دریچه

روزمِ رگی‌های یک محیط‌بان

احمد بحری

● من احمد بحری هستم؛ محیط‌بان مشغول‌به‌کار در استان قم و قصد دارم هر هفته، همین‌جا در صفحهٔ جامعه روزنامه «شرق» از خاطرات، روزمرگی‌ها و مسائل مرتبط با کار محیط‌بانی مطالبی را بنویسم. من اول آبان سال ۸۵ بود که مشغول به کار شدم. البته دوسالی می‌شد که درگیر مراحل استخدامی بودم. سال ۸۳ وقتی خدمت سربازی را تمام کردم، آگهی استخدام اداره محیط زیست را در روزنامه دیدم و فوراً ثبت‌نام کردم و مدارکم را فرستادم. دوران سربازی را در اداره منابع طبیعی به‌صورت امریه گذرانده بودم و چون تحصیلاتم فوق‌دیپلم منابع طبیعی بود، در دوران سربازی ضمن بالارفتن اطلاعاتم درمورد طبیعت، علاقه‌مندی‌ام هم بیشتر شده بود و این فرصت خیلی خوبی بود تا در محیطی جدید، آن هم محیط طبیعی، استخدام شوم و کار کنم. یادم است از اداره محیط زیست و وظایفش چیز زیادی نمی‌دانستم، فقط به طبیعت علاقه‌مند بودم چراکه دوران نوجوانی و جوانی من با طبیعت گره خورده بود. دوران جنگ که در مقطع ابتدایی بودم و به دلیل بمباران‌های هوایی مدتی به روستای پدری‌ام رفته بودیم، آنجا بود که با طبیعت انس گرفتم. اغلب آن روزها یادم می‌آید که بیشتر وقتم را در باغ سر می‌کردم و با هم‌سن‌وسال‌هایم به کوه و دشت می‌رفتم؛ خاطرات آن دوران هنوز هم در ذهن من باقی مانده است. در دوران دانشگاه هم به دلیل رشته تحصیلی‌ام، با اردوهای علمی که ما را به جنگل‌ها و مراتع شمال و مرکز ایران می‌بردند، این حس در من تقویت می‌شد. دوران دانشگاه برای من خاطره‌انگیزتر شده بود چون آن موقع بود که برای اولین‌بار جنگل‌های شمال کشور را می‌دیدم و از آن همه زیبایی لذت می‌بردم. وقتی برای استخدام در اداره محیط زیست به‌عنوان محیط‌بان ثبت‌نام کرده بودم، هر لحظه خودم را یک قدم به طبیعت نزدیک‌تر می‌دیدم و سر از نمی‌شناختم تا هرچه‌زودتر کارم را شروع کنم. چون قبل از استخدام، عکاسی و مستندسازی هم می‌کردم، به مستندهای حیات وحش که از تلویزیون پخش می‌شد علاقه زیادی داشتم و بدون استثنا همه آنها را دنبال می‌کردم و در این خیال بودم که هر وقت محیط‌بان شدم، حتماً به عکاسی و مستندسازی ادامه دهم، همین هم شد و من در این مدت چند مستند و صداها عکس از حیات‌وحش تهیه و ثبت کردم. بالاخره مدت انتظار پیش از استخدام گذشت و از اداره محیط زیست با من تماس گرفتند که اول آبان به محل کارم باییم. در پوست خودم نمی‌گنجیدم و خیلی خوشحال بودم. روزهای اول خدمتم را هرگز فراموش نمی‌کنم. روزی که با یکی دیگر از همکارانم که با هم استخدام شده بودیم، به نام آقای روح‌الله موحدیان، به تالاب بهشت معصومه هم رفته بودیم و من از دیدن آن تالاب بهت‌زده شده بودم. دیدن پرنده‌های آبی‌ر که آن موقع اصلاً اسمشان را هم نمی‌دانستم، برایم بسیار جالب بود و حتی فکرش را هم نمی‌کردم در نزدیکی شهر کوبری قم چنین تالابی باشد. یادم نمی‌ود آن پرنده سیاه‌رنگ با سر سرخ‌رنگش که از زیر یک بوته در کنار تالاب پرواز کرد و من بعدها فهمیدم که یک «چنگر نوک‌سرخ» بود. بی‌آن عقاب زخمی که روی زمین افتاده بود و ما آن را برداشتیم و با سختی زیاد با یک موتورسیکلت که به ما داده بودند در آن هوای سرد تا اداره آوردیمش و به مسئولان تحویل دادیم و از اینکه در روزهای اول کارمان توانسته بودیم جان یک پرنده زی‌ا را نجات دهیم، خوشحال بودیم. روزهای اول خدمتم در آن تالاب کوچک برایم پر از خاطرات خوب و بد بود و تجربه‌های فراوانی داشت. آن شکارچی‌هایی که چند پرنده را شکار کرده بودند، اولین متخلفانی بودند که ما دستگیرشان کردیم و به اداره تحویلشان دادیم. ... در ماه اول خدمتمان یک دوره بدو خدمت هم برای ما ترتیب داده بودند و آن بازدید از منطقه حفاظت‌شده اشتراکوه لرستان بود. به ما گفته بودند که یک دریاچه بالای قله کوه هست و می‌رسیم پنج‌ساعته‌ای که پیاده باید طی می‌کردیم و این مسیر کوهستانی و بکر و آشنایی با محیط‌بانان لرستانی باعث شد به شغل‌م علاقه‌مندتر شوم. محیط‌بانی‌کی که هنوز هم با آنها در ارتباط هستم و با هم دوست هستیم، محیط‌بانی هر لحظه‌اش خاطره است و من قصد دارم در این ستون هر هفته بخشی از آنها، خاطرات تلخ و شیرین محیط‌بانی، را با شما به اشتراک بگذارم.

شه‌رزاد همتی: «درحال حاضر، حدود ۸۰ درصد فرزندان تحت پوشش بهزیستی خانواده‌های بدسرپرست دارند و در قانون قبلی امکان فرزندخواندگی آنان وجود نداشت، اما در قانون جدید، فرزندخواندگی موقت و همچنین واگذاری کودکان بدسرپرست نیز دیده شده است. همه متقاضیان به دنبال این هستند، از فرزندکی که تحت پوشش خود قرار می‌دهند، به‌عنوان فرزند دائم تربیت و مراقبت کنند، اما ممکن است پس از یک سال خانواده این فرزند پیدا شود و به دنبال علاقه‌ای که بین دو طرف ایجاد می‌شود، آثار روحی و روانی بر کسی که فرزند را قبول کرده و فرزندخوانده به وجود آید و آنان دچار تضاد شوند».

جملات بالا، بخشی از سخنان انوشیروان محسنی بن‌دیی، رئیس سازمان بهزیستی کل کشور، درباره قوانین فرزندخواندگی است که روز گذشته در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها بیان کرده است. بنا بر این نقل‌قول، بیشتر کودکانکی که در مراکز تحت نظارت بهزیستی روزگار می‌گذرانند، خانواده‌های بدسرپرست دارند و نیازمندند که کانون خانواده را احساس کنند. به معنای ساده‌تر، این کودکان خانواده دارند، اما این خانواده‌ها توانایی و شرایط نگهداری از کودکان را ندارند و به همین دلیل خودخواسته و یا ناخواسته، کودک را نزد بهزیستی به امانت می‌سپارند تا شاید روزگاری دیگر و در شرایطی بهتر بتوانند این کودکان را دوباره نزد خود برگردانند. منظور از کودکان بدسرپرست آنهایی هستند که سرپرست و یا کسی را دارند که از آنها نگهداری کند و حضانت آنها را به عهده بگیرد، ولی از جهات مختلف صلاحیت این سرپرستی را ندارند و به شکل‌های گوناگون برای کودکان مشکل‌ساز می‌شوند؛ مشکلاتی که منجر به بدرفتاری‌ها و خشونت علیه کودکان خواهد شد. شاید از نظر اجتماعی بتوان این گروه از کودکان را یتیم اجتماعی دانست. امروزه در سطح جهان معضل خشونت‌های جسمی، روانی و جنسی علیه کودکان یکی از چالش‌برانگیزترین و دشوارترین مسائل اجتماعی است. در بند ۴۷ گزارش کارشناس مستقل برای مطالعه سازمان ملل متحد، در زمینه خشونت علیه کودکان آمده است: تخمین زده می‌شود که سالانه به‌طور متوسط بین ۱۳۳ تا ۲۷۵میلیون کودک در جهان شاهد خشونت خانگی هستند. قرارگرفتن مداوم کودکان در معرض خشونت در خانه‌هایشان به طور معمول در اثر دعو‌اها و مشاجرات والدین و یا مادر با شریک زندگی‌اش صورت می‌پذیرد.

مریم یکی از مادرانی است که کودکش را در یکی از مراکز بهزیستی به امانت گذاشته است تا بعد از بهترشدن شرایطش بتواند او را به خانه بازگرداند. داستان زندگی مریم پیش از این در «شرق» منتشر شده بود. مریم زنی است که هنگام بارداری متوجه می‌شود همسرش به اج‌آی‌وی مبتلاست و پس از بررسی‌ها مشخص می‌شود که او نیز به این بیماری مبتلاست. پس از پیگیری‌ها و درمان‌های مداوم، مریم می‌تواند فرزندش

شرق: روز گذشته عکسی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که هم حیرت‌انگیز بود و هم بحث‌های زیادی را به دنبال داشت. عکس یک معدار را نشان می‌داد که روی صندلی‌های یکی از واگن‌های مترو تهران نشسته بود و با خیالی آسوده، مشغول کشیدن شیشه بود. معتاد لسم داده و فندکش را زیر پاییی که به دهان گرفته بود گذاشته بود. انتشار همین عکس و بحث‌های فراوان مرتبط با آن، که انتقاداتی را متوجه شهرداری و شرکت مترو تهران می‌کرد، با واکنش روابط عمومی این شرکت مواجه شد.روابط عمومی شرکت بهره‌برداری مترو تهران با انتشار خبری، استعمال شیشه در داخل واگن‌های مترو تهران را تکذیب و این عکس را ساختگی و با هدف تخریب مترو دانست اما دیروز، عکاس این عکس وقتی دید مترو چنین جوابی داده، رسماً خودش را معرفی کرد و ضمن گلایه از برخورد مترو، اصل ماجرا را توضیح داد.مقدم، مدیر روابط عمومی شرکت بهره‌برداری مترو، قویاً موضوع را تکذیب کرده بود. وی این عکس را، که فردی پایپ‌به‌دست را در حال مصرف شیشه نشان می‌دهد، یک عکس تعمدی و برای خراب‌کردن مجموعه مترو برشمرده است. وی با بیان اینکه به داخل قطارها دوربین وجود دارد، گفت: بررسی عکس نشان می‌دهد این عکس زمانی که قطارها خلوت بوده‌اند گرفته شده و قطعا اگر فردی مواد مخدر مصرف می‌کرد، راهبر با استفاده از دوربین‌ها این صحنه را مشاهده می‌کرد و برخورد‌های لازم را انجام می‌داد. او تأکید کرده که این عکس صحنه‌سازی است و عکس از این فرد گرفته شده‌ا اما استعمالی صورت نگرفته و متأسفانه تصور ما بر این است که این عکس تعمدی و

شرق: پنل‌های خورشیدی که از ارزان‌ترین و راحت‌ترین منابع تولید انرژی هستند بالاخره قرار است به دست عشایر برسند. روز گذشته رئیس سازمان امور عشایر از تجهیز ۱۵هزار خانوار عشایری به پنل‌های خورشیدی تا پایان امسال خبر داد و گفت: براساس مذاکرات صورت‌گرفته با وزارت نیرو درصدد هستیم تا پنج‌سال آینده تأمین برق اکثر خانوار عشایری از طریق پنل‌های

آگهی فراخوان مناقصه عمومی نام‌بین P/F "SOLAR CENTUAR" GAS TURBINE GENERATOR

شرکت نفت فلات قاره ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران (سهامی خاص)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به خرید کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای با توجه به شرایط ذیل اقدام نماید. بدینوسیله از

شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید.

۱- شماره مناقصه: FBS-۹۱۴۰۳۰۱-FB/MM

۲- موضوع مناقصه:

P/F "SOLAR CENTUAR" GAS TURBINE GENERATOR

۳ - مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ۱۶۹/۲۷۲/۱۲۸ریال (صد و سی و هشت میلیون و دویست و هفتاد و سه هزار و شصت و نه ریال)ضمانتنامه معتبر بانکی و قابل تمدید و یا واریز نقدی به حساب شماره ۵۹۲۳۲۳۲۳۰ بانک تجارت شعبه سیمیه غربی به نام شرکت نفت فلات قاره ایران ویا چک تضمینی در وجه شرکت نفت فلات قاره ایران.

۴ - نحوه دریافت اسناد مناقصه:

لازم است مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق آدرس اینترنتی www.IOOC.CO.IR بخش مناقصات اقدام فرمایند. در غیر اینصورت با هماهنگی از طریق تلفن:۲۲۹۴۲۶۴۱ جهت دریافت شرایط و اسناد مناقصه مبع از

آگهی فراخوان مناقصه عمومی نام‌بین نوبت دوم

ساعت ۹ الی ۱۲ و بعد از ظهر از ظهر از ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰ با در دست داشتن معرفی نامه مراجعه نمایند.

۵ -آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه:

یک هفته پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۶ -آخرین مهلت ارائه پیشنهادات:

۲۰ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه

۷ -مدت اعتبار پیشنهادهای مالی:

پیشنهادهای مالی ارائه شده می‌بایست به مدت ۳ ماه معتبر باشد.

۸ -ضمانتنامه انجام تعهدات: برنده مناقصه می‌بایست معادل ۱۰٪ مبلغ کل سفارش به عنوان ضمانتنامه انجام تعهدات ارائه نماید.

۹ -محل ارسال پیشنهادات:

تهران، خیابان ولیعصر(عج) بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خازکاز، پلاک ۱۲ طبقه ۹ اتاق ۱۶ -۹ کمیسیون معاملات

روابط عمومی

شرکت نفت فلات قاره ایران

جامعه

به گفته رئیس سازمان بهزیستی، خانواده‌ها تمایلی به نگهداری کودکان بدسرپرست ندارند

خون دل برای بچه‌مردم

را سالم به دنیا بیاورد. کمی بعد همسر او از دنیا می‌رود و مریم از طرف خانواده طرد می‌شود. مریم تا سه‌سالگی پسرش او را نزد خود نگاه می‌دارد و حالا به دلیل نداشتن خانه و زندگی مشخص، او را نزد بهزیستی به امانت گذاشته است. مریم خودش هم در یکی از مراکز نگهداری از زنان بی‌سرپرست زندگی می‌کند، اما می‌گوید تحت هیچ شرایطی حاضر نیست فرزندش را به کسی بسپارد. او به همین پنجشنبه‌هایی دلخوش است که یک ساعت می‌تواند فرزندش را در پارک به آغوش بکشد و برایش مادری کند. روی دیگر این سکه محسن و همسرش پروانه هستند. آنها دو سال

پیش نهال را به فرزندکی گرفته‌اند. نهال پدر و مادری معتاد داشته که از نگهداری او عاجز بوده‌اند. پدرش در درگیری‌های خیابانی جان باخته است و مادرش در زندان دوران محکومیتش را می‌گذرانند. حالا عموی نهال که به گفته محسن شرایط مساعدی ندارد به‌عنوان قیم او خواستار بازگرداندن نهال شده است. این اتفاق ضربه‌ای سهمناک بر روح همسر محسن و دختر پنج‌ساله‌شان، نهال، است. محسن می‌گوید، این یک بازی غیرمنصفانه با زندگی آنها و کودکی است که در سه سال گذشته طعم زندگی واقعی را چشیده است... دکتر حبیب‌الله مسعودی‌فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، درباره دلایل امتناع خانواده‌ها از پذیرش فرزندان بدسرپرست به «شرق» می‌گوید: «در دنیا تقریباً شرایط شبیه هم است. مطابق گزارش اتحادیه اروپا، در این منطقه حدود یک‌میلیون بچه در مراکز زندگی می‌کنند و آنجا هم ۹۰ درصد بچه‌ها پدر و مادر مشخص دارند و دلیل این واگذاری فقر، مشکلات روانی، بزه ... است. در ایران هم تقریباً ۸۵ درصد کودکانی که به ما سپرده می‌شوند، کودکانی هستند با پدر و مادر مشخص و ۱۵ درصد بچه‌ها والدین نامشخص دارند. درباره کودکان با والدین نامشخص ما مشکل چندانی نداریم. بچه‌ها به فرزندخواندگی گرفته می‌شوند و برای هر کدام از این کودکان هفت نفر در نوبت هستند. شاید بچه‌هایی که از این دست باقی می‌مانند، آنهایی هستند که معلولیت شدید دارند و خانواده‌ها کمتر متقاضی آنها هستند، هرچند گاهی اوقات برای این دسته از کودکان هم سرپرست پیدا می‌شود. دکتر مسعودی‌فرید در ادامه افزود: «در یک سری از کشورها، آنها به ستمی رفته‌اند که مثلاً تا سال ۲۰۵۰ مراکز را به صفر برسانیم. این بدین معنا نیست که دیگر بچه بدسرپرستی وجود نداشته باشد، بلکه آنها می‌خواهند با استفاده از روش‌های دیگری، بچه‌ها را حتی موقت به خانواده‌هایی بسپارند که آن سازمان تأیید می‌کند. تجربه نشان داده است که برای بچه‌ها، به‌خصوص در سنین ابتدایی، ارتباط عاطفی فوق‌العاده حائز اهمیت است. استاندارد دنیا این است که در شیرخوارگاه‌ها به ازای هر کودک سه مربی وجود داشته باشد، این در حالی است که ما در دستورالعمل‌ها گفته‌ایم، برای هر شش کودک یک مربی وجود داشته باشد، در حالی که در عمل این اتفاق نمی‌افتد. دلیل این مسئله هم آن است که ما نمی‌توانیم نیروی جدید



باوجود تکذیب استعمال شیشه در واگن‌های مترو تهران؛

شاهد عینی

باید در این‌گونه موارد سختگیری‌های بیشتری انجام دهد. شهرداری نیز باید تحقیق کند در سایر کشورهای پیشرفته از چه سیستمی برای نظارت داخل متروها استفاده می‌شود و در صورت امکان شورا پیگیری کند که واگن‌های مترو تهران نیز به این نوع سیستم‌ها تجهیز شوند. با این توضیحات که برخلاف دیده‌های بسیاری از ما در داخل ایستگاه و واگن‌های مترو بود، ماجرا داشت فیصله پیدا می‌کرد که شاهد از غیب رسبد. چند ساعت بعد یک سایت خبری به نام «روز نو» توضیحات مفصل عکاس این عکس را در گفت‌وگویی منتشر و ماجرا را عکس دیگری پیدا کرد. عکاس این عکس است و دراین‌باره می‌گوید: «عقربه‌ها نزدیک به ساعت

تجهیز ۱۵هزار خانوار عشایری به پنل‌های خورشیدی تا پایان امسال

برق خورشیدی در چادرهای عشایری

خورشیدی صورت بگیرد. تأمین انرژی و سوخت در فصل سرما برای مردم عشایر استان‌های عشایرخیز ایران از شمال تا جنوب همیشه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات

استخدام کنیم. با اینکه رویکرد ما غیردولتی است اما از این ۶۰۰ مرکزی که به‌عنوان شبه‌خانواده برای این کودکان تأسیس کرده‌ایم، ۵۴۰ شعبه در بخش غیردولتی فعال هستند. تجربه نشان داده حتی در بهترین مراکز، به دلیل اینکه یک نفر مسئولیت چند بچه را برعهده دارد، سرپرست موقت است و دائماً در حال گردش هستند و همین باعث می‌شود این کودکان نتوانند طعم داشتن خانواده را حس کنند. بنابراین هرچند به‌طور موقت، اما این کودکان نیازمند برقراری یک رابطه عاطفی خارج از مرکز هستند». معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی تأکید می‌کند: «وقتی یک نفر، چه به‌طور ژنتیکی و چه غیرژنتیکی، به‌عنوان پدر یا مادر مسئولیت این کودک را بپذیرد، بسیار با مربی تفاوت خواهد داشت. سیاستی که الان داریم سیاست مرکززدایی است. یعنی تا جایی که بشود اولاً مراکز را کوچک کنیم و هم اینکه آنها را در مراکز نگهداری کنیم که فضای کوچک و شبیه به خانواده داشته باشد. همان‌طور که از نام مرکز شبه‌خانواده بر می‌آید، قرار است ما مرکزی برای استقرار این کودکان تهیه کنیم که نزدیک‌ترین شباهت به خانه ایجاد شده است. اما باز هم نوع ارتباطی که این بچه‌ها با مادریار دارند، با یک نفر که ارتباط یک به یک با کودک دارد، متفاوت است. پس یکی از استراتژی‌های ما کاهش مراکز است و دوم اینکه به سمت مرکززدایی برویم». وی با اشاره به اینکه ترجیح سازمان بهزیستی بر این است که خَیَر به جای اینکه چندین میلیارد هزینه ساخت مراکز نگهداری کودکان کند، ماهانه مبلغی را به خانواده‌های این کودکان بپردازد تا آنها بتوانند کودکانشان را نگهداری کنند، تصریح کرد: «قانون جدید نسبت به قانون سال ۵۳ باالاً شده. قبلاً بچه‌ها تا سن ۱۲سالگی می‌توانستند فرزندخوانده شوند، اما حالا این اتفاق تا ۱۶ سالگی امکان دارد دارد. حتی کسی که یک فرزند دارد، می‌تواند فرزند دیگری را بگیرد و آن را پیش خودش نگه دارد. البته زود است که بخواهیم درباره این قانون اظهارنظر کنیم. این قانون تیرماه مصوب شده و تا دربراهش اطلاع‌رسانی درست شود، زمان زیادی را می‌طلبد. ما دست افراد را باز کرده‌ایم تا حتی زنان مجرد نیز بتوانند بچه‌های بدسرپرست یا بی سرپرست را به فرزندکی قبول کنند».

تأکید مدیران بهزیستی بر این است که بازپس‌گیری کودکان از خانواده‌های موقتشان به همین سادگی نیست. قاضی پرونده همه جوانب را می‌سنجد و در این سنجش تنها چیزی را که مدنظر قرار می‌دهد صلاح و آینده کودک است و به‌قطع اگر صلاح کودک دانند در کنار خانواده جدیدش باشد و خانواده واقعی او شرایط نگهداری کودک را نداشته باشد، قاضی رأی به عدم صلاحیت خانواده اصلی صادر خواهد کرد.

تول کلاب و نظایر آن) که همگی حول محور مدیریت عرصه آب هستند و باعث می‌شوند برنامه‌های مدیریت تقاضا ناکام بماند، یک ارزیابی جامع از عملکرد طرح‌های قبلی انجام شود و از نتایج آن به منظور اصلاح و بازنگری این‌گونه طرح‌ها استفاده شود. در نتیجه برخی از اصول و معیارهای جامع مدیریتی که نه‌تنها در این طرح، بلکه در کلیه طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای به‌کارگرفته شده به شرح زیر ارائه می‌شود؛ رعایت ضوابط، معیارها و اصول توسعه پایدار درباره طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای، بازنگری در رویه تخصیص آب به طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای با اولویت دادن به نیازهای حوضه مبدأ برای پیشگیری از منازعات و تعارضات منطقه‌ای در آینده بین‌حوضه‌یی مبدأ و مقصد؛ هماهنگ‌کردن برنامه‌های انتقال بین‌حوضه‌ای با طرح آمایش سرزمین

۲۱ بودند که وارد ایستگاه متروی قطبیه شدم و در واگن انتهایی قطار که کنار واگن بانوان است، نشستم. به دلیل اینکه جمعه بود، مترو طبق معمول خلوت بود. رویه‌ریم یک روحانی جوان نشسته بود و کمی آن‌طرف‌تر فردی با ظاهری ژولیده و نامرتب در حال خوردن غذا بود. نوع نشستن و غذاخوردن او توجهم را جلب کرد. چند دقیقه‌ای گذشت و سرم در گوشی‌ام بود که صدای فندک باعث شد اطرافم را نگاه کنم و با صحنه‌ای غیرقابل‌توصیف مواجه شوم. بله، همان‌طور که در عکس‌های پخش‌شده در مترو معلوم است، آن فرد بعد از اتمام غذایش با بی‌توجهی و ندیدن شرایط مترو، شروع به مصرف شیشه کرد. ایستگاه‌ها هر چقدر که به سمت کمپزیک نزدیک‌تر می‌شد، جمعیت بیشتری به واگن می‌آمد و نکته جالب این بود که برای هیچ‌کس این اتفاق عجیب نبود. شب که به خانه رسیدم در اولین فرصت عکس را همراه با یادداشت در صفحه اینستاگرام خود منتشر کردم. صبح که از خواب بلند شدم، گوشی همراهم پر شده بود از پیام‌ها و کامنت‌های متعدد. در فضای مجازی این عکس به صورت گسترده منتشر شده بود. آن چیزی که برایم مهم بود و باعث شد این یادداشت را بنویسم، بی‌صداقتی روابط عمومی متروی تهران است که این عکس را ساختگی خوانده بود. وی با ظر این سؤال که «برای چه مردمان شهر خود را دروغگو خطاب می‌کنید؟ که جایگاهتان حفظ شود؟ برای چه به‌جای حل این مسئله می‌خواهید خود را بی‌عیب‌ونقص نشان دهید و صورت‌مسئله را پاک می‌کنید؟» گفته است: به جای این بیانیه بهتر بود تأییری را می‌انديشیدید که دیگر این اتفاق نیفتد.

همین موضوع باعث افزایش بسیار زیاد قطع درختان برای تأمین سوخت زمستانی شده است». کیادیری همچنین راهکار حل این معضل را این‌طور توضیح داد: «در شرایطی که دنیا در حال عبور از سوخت فسیلی به سمت سوخت‌های انرژی‌های پاک است، وضعیت به کشور ما به‌گونه‌ای شده که باید تلاش کنیم سوخت مردم این مناطق را از چوب به سوخت فسیلی تغییر دهیم و این نشان می‌دهد که ما متأسفانه دچار پس‌رفت شده‌ایم. در این سال‌ها، در شرایطی که کشور ما کشور آفتاب و انرژی‌های پاک است و با هزینه‌ای کم می‌توان برای مردم مناطق محروم انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی برای تأمین نیازهای گرمایشی و انرژی تأمین کرد، به نظر من ما راهی نداریم جز اینکه ماینر بزیم و از سوخت چوبی به سمت انرژی‌های پاک برویم تا این مشکل به سمت حل‌شدن برود». حالا به نظر می‌رسد دستگاه‌های مسئول به فکر حل مشکل افتاده‌اند؛ دادن پنل‌های خورشیدی به عشایر برای تأمین انرژی و سوخت از جمله اقداماتی است که در همین زمینه می‌تواند راهگشا باشد. در این رابطه کرم‌علی قندالی، رئیس سازمان امور عشایر، به ایسنا گفته است: «براساس هماهنگی‌های صورت‌گرفته بین سازمان امور عشایر و معاونت برق روستایی وزارت نیرو درصددیم تا پایان امسال ۱۵هزار خانوار عشایری به پنل‌های خورشیدی مجهز شوند که اعتبارات و تأمین پنل‌های خورشیدی از طریق وزارت نیرو صورت می‌گیرد».

ادامه از صفحه ۱۶

کارون‌توان ندارد

از هرگونه تعجیل در اجرای طرح‌های جدید انتقال آب بین‌حوضه‌ای باید پرهیز کرد و ضمن تردید در آنها فقط در صورت تطبیق با اصول توسعه پایدار، ضوابط آمایش سرزمین و پایداری محیط زیست به تصمیم‌گیری درست اقدام کرد.ازجمله نکات مهم، پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی «اجرای طرح‌های جدید انتقال آب» در حوضه کارون بزرگ، برای مناطق پایین‌دست حوضه مبدأ (استان خوزستان) است. درباره تأثیرات طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای از کارون بزرگ، می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد: اثرات منفی بر تولید انرژی برقایی سدهای زنجیره‌ای کارون، نبود امکان تأمین آب موردنیاز شبکه‌های وسیع آبیاری در خوزستان، عدم اجرای حقایه‌های زیست‌محیطی، افت چشمگیر کیفیت آب و آلودگی کارون و تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی آن و آلودگی‌های روزافزون، مسائل مربوط به تشدید مهاجرت از استان خوزستان و بروز مسائل امنیتی در مرزها، سوءمدیریت منابع آب در سطح جلگه خوزستان شامل سایر منابع آبی به‌جز کارون و تشدید ریزگردها، حوضه آبریز کارون بزرگ در سال۱۳۹۳کسری بیلان آبی بیش از ۷۰ میلیون مترمکعب در سال داشته است و این رقم در سال‌های آینده بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه تاکنون تونل‌های متعدد احداث‌شده برای انتقال آب از حوضه کارون به زاینده‌رود، بیش از آنکه منجر به حل مشکل کم‌آبی این حوضه شود، سبب توسعه نامتوازن حوضه و ناپایداری محیط زیست رودخانه و تالاب گاوخونی شده، این امر باعث شده برنامه‌های اصلی توسعه پایدار (نظیر برنامه‌های توسعه گردشگری اصفهان به‌دلیل افزایش آلودگی، رشد بیش‌ازحد جمعیت، کارایی کیفیت آب، خشکیدن زاینده‌رود و... عقیم بماند؛ بنابراین ضروری است قبل از تعجیل در اجرای طرح‌های جدید انتقال آب (مانند طرح‌های بهشت‌آباد، تونل گوگان، تونل کلاب و نظایر آن) که همگی حول محور مدیریت عرصه آب هستند و باعث می‌شوند برنامه‌های مدیریت تقاضا ناکام بماند، یک ارزیابی جامع از عملکرد طرح‌های قبلی انجام شود و از نتایج آن به منظور اصلاح و بازنگری این‌گونه طرح‌ها استفاده شود. در نتیجه برخی از اصول و معیارهای جامع مدیریتی که نه‌تنها در این طرح، بلکه در کلیه طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای به‌کارگرفته شده به شرح زیر ارائه می‌شود؛ رعایت ضوابط، معیارها و اصول توسعه پایدار درباره طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای، بازنگری در رویه تخصیص آب به طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای با اولویت دادن به نیازهای حوضه مبدأ برای پیشگیری از منازعات و تعارضات منطقه‌ای در آینده بین‌حوضه‌یی مبدأ و مقصد؛ هماهنگ‌کردن برنامه‌های انتقال بین‌حوضه‌ای با طرح آمایش سرزمین

۲۱ بودند که وارد ایستگاه متروی قطبیه شدم و در واگن انتهایی قطار که کنار واگن بانوان است، نشستم. به دلیل اینکه جمعه بود، مترو طبق معمول خلوت بود. رویه‌ریم یک روحانی جوان نشسته بود و کمی آن‌طرف‌تر فردی با ظاهری ژولیده و نامرتب در حال خوردن غذا بود. نوع نشستن و غذاخوردن او توجهم را جلب کرد. چند دقیقه‌ای گذشت و سرم در گوشی‌ام بود که صدای فندک باعث شد اطرافم را نگاه کنم و با صحنه‌ای غیرقابل‌توصیف مواجه شوم. بله، همان‌طور که در عکس‌های پخش‌شده در مترو معلوم است، آن فرد بعد از اتمام غذایش با بی‌توجهی و ندیدن شرایط مترو، شروع به مصرف شیشه کرد. ایستگاه‌ها هر چقدر که به سمت کمپزیک نزدیک‌تر می‌شد، جمعیت بیشتری به واگن می‌آمد و نکته جالب این بود که برای هیچ‌کس این اتفاق عجیب نبود. شب که به خانه رسیدم در اولین فرصت عکس را همراه با یادداشت در صفحه اینستاگرام خود منتشر کردم. صبح که از خواب بلند شدم، گوشی همراهم پر شده بود از پیام‌ها و کامنت‌های متعدد. در فضای مجازی این عکس به صورت گسترده منتشر شده بود. آن چیزی که برایم مهم بود و باعث شد این یادداشت را بنویسم، بی‌صداقتی روابط عمومی متروی تهران است که این عکس را ساختگی خوانده بود. وی با ظر این سؤال که «برای چه مردمان شهر خود را دروغگو خطاب می‌کنید؟ که جایگاهتان حفظ شود؟ برای چه به‌جای حل این مسئله می‌خواهید خود را بی‌عیب‌ونقص نشان دهید و صورت‌مسئله را پاک می‌کنید؟» گفته است: به جای این بیانیه بهتر بود تأییری را می‌انديشیدید که دیگر این اتفاق نیفتد.

همین موضوع باعث افزایش بسیار زیاد قطع درختان برای تأمین سوخت زمستانی شده است». کیادیری همچنین راهکار حل این معضل را این‌طور توضیح داد: «در شرایطی که دنیا در حال عبور از سوخت فسیلی به سمت سوخت‌های انرژی‌های پاک است، وضعیت به کشور ما به‌گونه‌ای شده که باید تلاش کنیم سوخت مردم این مناطق را از چوب به سوخت فسیلی تغییر دهیم و این نشان می‌دهد که ما متأسفانه دچار پس‌رفت شده‌ایم. در این سال‌ها، در شرایطی که کشور ما کشور آفتاب و انرژی‌های پاک است و با هزینه‌ای کم می‌توان برای مردم مناطق محروم انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی برای تأمین نیازهای گرمایشی و انرژی تأمین کرد، به نظر من ما راهی نداریم جز اینکه ماینر بزیم و از سوخت چوبی به سمت انرژی‌های پاک برویم تا این مشکل به سمت حل‌شدن برود». حالا به نظر می‌رسد دستگاه‌های مسئول به فکر حل مشکل افتاده‌اند؛ دادن پنل‌های خورشیدی به عشایر برای تأمین انرژی و سوخت از جمله اقداماتی است که در همین زمینه می‌تواند راهگشا باشد. در این رابطه کرم‌علی قندالی، رئیس سازمان امور عشایر، به ایسنا گفته است: «براساس هماهنگی‌های صورت‌گرفته بین سازمان امور عشایر و معاونت برق روستایی وزارت نیرو درصددیم تا پایان امسال ۱۵هزار خانوار عشایری به پنل‌های خورشیدی مجهز شوند که اعتبارات و تأمین پنل‌های خورشیدی از طریق وزارت نیرو صورت می‌گیرد».

۲۱ بودند که وارد ایستگاه متروی قطبیه شدم و در واگن انتهایی قطار که کنار واگن بانوان است، نشستم. به دلیل اینکه جمعه بود، مترو طبق معمول خلوت بود. رویه‌ریم یک روحانی جوان نشسته بود و کمی آن‌طرف‌تر فردی با ظاهری ژولیده و نامرتب در حال خوردن غذا بود. نوع نشستن و غذاخوردن او توجهم را جلب کرد. چند دقیقه‌ای گذشت و سرم در گوشی‌ام بود که صدای فندک باعث شد اطرافم را نگاه کنم و با صحنه‌ای غیرقابل‌توصیف مواجه شوم. بله، همان‌طور که در عکس‌های پخش‌شده در مترو معلوم است، آن فرد بعد از اتمام غذایش با بی‌توجهی و ندیدن شرایط مترو، شروع به مصرف شیشه کرد. ایستگاه‌ها هر چقدر که به سمت کمپزیک نزدیک‌تر می‌شد، جمعیت بیشتری به واگن می‌آمد و نکته جالب این بود که برای هیچ‌کس این اتفاق عجیب نبود. شب که به خانه رسیدم در اولین فرصت عکس را همراه با یادداشت در صفحه اینستاگرام خود منتشر کردم. صبح که از خواب بلند شدم، گوشی همراهم پر شده بود از پیام‌ها و کامنت‌های متعدد. در فضای مجازی این عکس به صورت گسترده منتشر شده بود. آن چیزی که برایم مهم بود و باعث شد این یادداشت را بنویسم، بی‌صداقتی روابط عمومی متروی تهران است که این عکس را ساختگی خوانده بود. وی با ظر این سؤال که «برای چه مردمان شهر خود را دروغگو خطاب می‌کنید؟ که جایگاهتان حفظ شود؟ برای چه به‌جای حل این مسئله می‌خواهید خود را بی‌عیب‌ونقص نشان دهید و صورت‌مسئله را پاک می‌کنید؟» گفته است: به جای این بیانیه بهتر بود تأییری را می‌انديشیدید که دیگر این اتفاق نیفتد.

همین موضوع باعث افزایش بسیار زیاد قطع درختان برای تأمین سوخت زمستانی شده است». کیادیری همچنین راهکار حل این معضل را این‌طور توضیح داد: «در شرایطی که دنیا در حال عبور از سوخت فسیلی به سمت سوخت‌های انرژی‌های پاک است، وضعیت به کشور ما به‌گونه‌ای شده که باید تلاش کنیم سوخت مردم این مناطق را از چوب به سوخت فسیلی تغییر دهیم و این نشان می‌دهد که ما متأسفانه دچار پس‌رفت شده‌ایم. در این سال‌ها، در شرایطی که کشور ما کشور آفتاب و انرژی‌های پاک است و با هزینه‌ای کم می‌توان برای مردم مناطق محروم انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی برای تأمین نیازهای گرمایشی و انرژی تأمین کرد، به نظر من ما راهی نداریم جز اینکه ماینر بزیم و از سوخت چوبی به سمت انرژی‌های پاک برویم تا این مشکل به سمت حل‌شدن برود». حالا به نظر می‌رسد دستگاه‌های مسئول به فکر حل مشکل افتاده‌اند؛ دادن پنل‌های خورشیدی به عشایر برای تأمین انرژی و سوخت از جمله اقداماتی است که در همین زمینه می‌تواند راهگشا باشد. در این رابطه کرم‌علی قندالی، رئیس سازمان امور عشایر، به ایسنا گفته است: «براساس هماهنگی‌های صورت‌گرفته بین سازمان امور عشایر و معاونت برق روستایی وزارت نیرو درصددیم تا پایان امسال ۱۵هزار خانوار عشایری به پنل‌های خورشیدی مجهز شوند که اعتبارات و تأمین پنل‌های خورشیدی از طریق وزارت نیرو صورت می‌گیرد».